

بیستمین سالگرد قتل احمد شاه مسعود و جانشینی پسرش

اسرار وابستگی شخصیت اسخباراتی مرموز یهودی فرانسوی حقایق را افشاء می نماید



برنارد هنری لیوی با احمد مسعود با صمیمیت از پنجشیر دیدن میکند - اکتوبر ۲۰۲۰

در آوان کشمکش ها و مقابله جنگجویان پنجشیر به سرکردگی «احمد مسعود» با حکومت طالبانی، بیستمین سال قتل پدرش «احمد شاه مسعود» هم فرا می رسد که هردو را به حالات و نظریات مختلفه در مطبوعات گوناگون و فضای مجازی بر سر زبان ها می اندازد.

با تصرف دره پنجشیر توسط طالبان که دقیقاً قابل پیش بینی بود، طوریکه این هیچ مدان هم در آغاز وحله عرض نمودم، یک عده از هموطنان مقیم این منطقه کشور قربانی سیاست بازی ها و قهرمان سازی های پوشالی گردیده اند که مانند پدر، ذهنیت این مردمان بیخبر از وقایع پشت پرده تشنگان قدرت و شهرت را، پسر هم مسموم و مختل می سازد که چنین شد. البته خون هایی که در اثر تصادم قدرتمندان طالب و مردم منطقه ریخته شد هم قابل پیشبینی بود که مسئول آن همین «احمد مسعود» وابسته به استخبارات ایران، انگلستان و فرانسه می باشد که به یقین با یکی از هیلای کوپتر های آماده باش اردی ملی که قبلاً تعدادی از آن برای فرار خود و همراهان وی از کابل تهیه گردیده بود، بدون کوچکترین مسئولیتی در قبال مردم خود، ناپدید میگردد.... درست مانند فرار «احمد شاه مسعود» در عصر اول طالبان که هیچ مقاومت و مقابله ای صورت نگرفت!

هموطنان ما شاید مطلع باشند که در ماه فروری امسال، این خبر غیر قابل باور مانند برق در میدیا پخش گردید: " از جانب بلدیة «شاروالی» پاریس تصمیم گرفته شده است که به قدر دانی از «احمد

شاه مسعود یکی از سران تنظیمی که با شوروی برای آزادی افغانستان مبارزه «؟!» نموده است، در یکی از مهمترین منطقه پاریس، پایتخت فرانسه لوحه یادبودی نصب گردد.

خانه سیاست خراب که چه ضد و نقیض هایی را عندالضرورت به میان می آورد و ذهنیت ها را به چپ و راست به بازی گرفته و حقیقت امر را در موارد خاصی، مغشوش و دور از باور قرار میدهد.



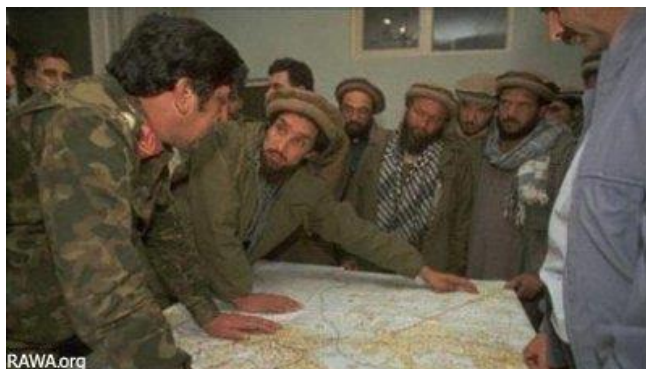
تصویری از احمد شاه مسعود با شخص مرموزی به نام برنارد هنری لیوی

اتفاقاً با معضله جدال گروه مسعود با طالبان در پنجشیر و نصب لوحه ای در فرانسه به نام مسعود، قضایای دیگری که بصورت نسبی میشود تا حدی پنهان کاری ها و ارتباطات «**پدر و پسر**» نامید هم به نحوی از پرده بیرون می افتد.

متأسفانه مردم مظلوم افغانستان در بیشتر از چهار دهه اخیر، ازین ضد و نقیض ها بسیار تجربه نموده اند....چه خابینینی که وطن پرست شدند، مانند همین جهادی های وابسته به غیر که کابل را به خاک و خون کشیدند که درین ۲۰ سال اخیر باز هم به قدرت آمده و همه دارایی های عامه و کمک ها خارجی را بالا کشیدند و چه وطن پرستانی هم که خاین قلمداد گردیدند! بزرگان همین گروه طالبان تا سال گذشته اکثراً از جانب امریکا و مؤسسات خیریه بین المللی در لست سیاه دهشت افغانان ثبت گردیده بوند و بعد از ملاقات ها و قرار دادی که در دوحه در غیاب دولت رسمی افغانستان بین آنان و دولت امریکا بوجود آمد، طور دیگری شناخته شدند.

حال میرویم به سراغ خبر داغ قدرمندی «**احمد شاه مسعود**» که تلاش برای حیات و زندگی جاودان وی از جانب فامیل و همگامانش منافع سرشاری را نصیب آن گروه نموده و مینماید، بدون شک که مسعود را منفعت طالبان چون متاعی گرانبها در حیات وی و حتی بعد از مرگش هم گروه پیروان به

کرات فروخته اند و به نوا و منفعت بزرگی رسیده اند و میرسند. ناگفته نماند که این قیمت گزاری حتی ذریعۀ سود جویان و منفعت طلبان سیاسی و اقتصادی خارجی هم روبراه است.



عکسی تاریخی از مسعود، علمی، انجنیر پناه، فهیم و نبی عظیمی بر روی نقشهٔ مقدس افغانستان
حتماً پلان تجزیه که آرزوی مسعود بوده است، مطرح است

« احمد شاه مسعود » که در زمان جمهوریت « سردار محمد داود » با یاران و همگامان خود چون « ربانی و حکمتیار » به حریم آی اس آی پاکستان پناهنده گردید، آموخت که این عمل مزایای زیادی دارد، چنانچه که وابستگی های وی تا دم مرگ به مؤسسات استخباراتی گوناگون شرق و غرب که بعد تر صورت گرفت، از مسعود یک شخصیت چند بعدی مرموز و انعطاف پذیر ساخت.

در عمل، در هیچ صفحه ای از تاریخ افغانستان که مملو از جانبازی های قهرمانان و شجاعت سر سپردگان راه صیانت و آزادی وطن بوده است، نمی توان سراغ نمود که حتی یک جنگ « احمد شاه مسعود » را با قوای اشغالگر شوروی با تفصیل، استناد و زوایای آن ثبت نموده باشد، مگر جنگ های کوچک ساختگی را که در همان وادی های اطراف صحنه سازی میگردید و خاک به چشم مردم مظلوم وطن میزد. برعکس نامبرده بصورت وسیع نظر به پروتوکولی در سال ۱۹۸۸ « مادهٔ هفتم » که با شوروی امضاء نمود، همه مجاهدین منطقوی و نواحی سالنگ را که به مقابل روسها مقاومت می نمودند، به نفع قوای زمینی شوروی قلع و قمع نمود! البته اتحاد شوروی از کمک های ارزشمند « مسعود » منجمله حفظ سالنگ ها برای قوای زمینی و مراقبت از پیپ لینی که از شمال تا میدان بگرام کشیده شده بود، نهایت استفاده نمود و در نتیجه اردوی قوای اشغالگر نمبر ۴۰ به سرکردگی جنرال « گروموف » همیشه از همکاری های « احمد شاه مسعود » سپاس گزار بود، چنانچه در مصاحبه ای با اخبار سبوتنیک چنین حقیقتی را افشاء ساخته است.

بعد از آغاز قرن ۲۱ میلادی و ختم جنگ سرد طولانی، نه تنها منابع معتبری مانند آرشیف های «سی آی ای و وزارت خانه های دفاع و خارجه آمریکا»، بلکه وزارت خارجه و «دفاع روسیه و منابع کی جی بی» همچنان جریانات جنگ و مناسبات سیاسی گوناگون جنگ های افغانستان را افشاء نموده و به دسترس همگان قرار دادند. همان بود که نویسندگان بیشمار داخلی و خارجی، تعداد زیادی آثار و نوشته های مستند این حوادث خونین را با معرفی دست اندرکاران آن بروز دادند. حتی در همین امریکا میشود به آسانی به وزارت خارجه رفت و از معلومات آن وقت افغانستان عکس گرفت. در مورد قوماندانی «احمد شاه مسعود» در عصر خونین و ناکام «برهان الدین ربانی»، جنگ های داخلی افغانستان و مخصوصاً شهر کابل را به مخروبه ای وحشتناک تبدیل نمود که با تلفات ۶۵۰۰۰ بیگناه اهالی پایتخت، یک دوران دهشت و جنایات ابتکاری و فجیع بشری ای هموطن بر هموطن به وقوع پیوست. این قوماندان بیرحم و جاه طلب نه تنها صلح و امنیت را برقرار ننمود، بلکه در پهلوی دیگر گروپ های سفاک جهادی طوری پیشگام و یکه تاز گردید که با در دست داشتن سلاح ثقیله و خفیفه و راکت های نهایت آتشین برای تصرف قدرت، به سراغ دیگر گروه های جنگی، مخصوصاً «گلبدین حکمتیار» رفت و هردو شهر کابل را ناجوانمردانه، ددمنشانه و سبعمانه به راکت بستند!!



احمد مسعود با مهمان خویش که اخیراً به پنجشیر رفته و یقین که به غیر متمرکز بودن نظر میگیرد تصویر بالا حکایت از اسرار همبستگی دیگری دارد که مسعود و پسر وی را شخصیت مرموز و وابسته به جریانات مختلفه ای که به گروپ های تخریب کن استخباراتی میپیوندد. این چهره تاحدی پوشیده در ابهام فردی مراکشی و یهود فرانسوی است به نام «برنارد هنری لیوی» و تاریخچه حیات وی سابقه طولانی در رفت و آمد های اسرار آمیز در ممالک افریقایی و شرق میانه را هویدا می سازد و اکثراً فعالیت های وی با گروه های مشکوک و زیرزمینی می آمیزد، چنین که اگر مسعود

زنده میبود، نهایت ممنون آوازه ها و شهرت سازی های پوشالی و غیر حقیقی این شخص میگردید که ذهنیت دیگری از آنچه مسعود بوده، در فرانسه خلق نموده است. به سراغ مختصری از بیانیۀ «**برنارد لیوی**» را در مورد مسعود که در سال ۱۹۹۸ به کوشش وی مسافرتی به فرانسه نموده است می رویم:

"پاریس از یک قهرمان افغان استقبال می نماید که کوشش نمود که از حملۀ سپتمبر ۱۱ جلوگیری نماید و هوشدار وی «**!؟**» در مورد افراطیون و فندامنتالیست های اسلامی تا بحال باقیست. من هنوز صدای قوماندان احمد شاه مسعود را میشنوم که در منزلش در پنجشیر زمانیکه برای اخبار لوموند خبر تهیه میکردم به من گفت که وی در لیسه استقلال در مورد مقاومت جنرال دوگول به مقابل نازی ها خوانده و مجذوب وی گردیده است".

لیوی به موضوع عجیب دیگری اشاره می نماید که گویا قرار گرفته «**احمد شاه مسعود**» این اولین سفر نامبرده به خارج از افغانستان «**!؟**» می باشد. یا الله! یعنی پناه بردن سالهای متمادی به دامان کثیف «**آی اس آی**» پاکستان و با تربیت جاسوسی و پارتیزانی آن دستگاه، ارسال وی برای تعلیمات در فلسطین و لیبیا و خدا میداند کجا های دیگر، حتی از جاسوس فرانسوی هم پنهان گردیده است!!

این همان سفریست که «**گوربه چوف**» رهبر شوروی از همکاری مسعود من حیث دوست آندولت در مصاحبه با بی بی سی لندن، قدر دانی نمود و مسعود در برابر سؤال خبرنگاران در زمینه، به خاموشی و اغماض پناه برد. ولی در عوض قسمتی از معاهدۀ مسعود با قوماندان اعلای قوای اشغالگر شوروی در افغانستان «**جنرال گروموف**» را که در سال ۱۹۸۸ به امضاء رسید مطالعه فرمایید: **معاهدۀ مخفی بین احمد شاه مسعود و قوای اشغالگر ۴۰ شوروی در افغانستان:**

به منظور خلق حسن نیت بین رهبری قوای شوروی و مخالفین مسلح پنجشیر و به آرزوی تحکیم صلح در افغانستان، طرفین عاقدین با نیت نیک و پذیرش وجایب ذیل این معاهده را امضا می نمایند.

در حال حاضر، «**برنارد لیوی**» با پسر مسعود که «**احمد مسعود**» باشد هم البته پیوستگی و روابط برقرار نموده است و با نبودن مسعود شخص مذکور میتواند اهداف استخباراتی و مقاصد پشت پرده را با فرزند وی عملی نماید، چنانچه در وبسایت وی خبر جنجال اخیر پنجشیر را با طالبان قدر دانی نموده و آنرا مقاومت دیگری «**!؟**» وانمود نموده است. اینکه چرا در هیچ میدیای مسعودیان و شورای نظار اشاره و حرفی در مورد فعالیت های متداوم «**برنارد لیوی**» که گویا روش «**لارنس**

عربی» را بعد از یک قرن در اذهان زنده می سازد، موجود نیست، دلیل آن اعمال مخفیانه جاسوسی و زیر پرده میباشد.

اینک شمه ای از اوضاع فی مابین **« احمد مسعود»** و تکیه گاه وی **« برنارد لیوی»** که در جریان جدال اخیر پنجشیر از وی طلب کمک از راه دور **«!؟»** می نماید:

اقتباس از گوگل: طالبان که در ۱۵ آگست بر کابل تفوق حاصل نمودند، احمد مسعود پروگرام غیر متمرکز ساختن را به تاریخ ۱۷ آگست برای برنارد هانری لیوی تشریح می نماید.

احمد مسعود در مکتوبی که برای برنارد هانری لیوی ارسال نموده در آن تضرع و التماس می کند از رئیس جمهور فرانسه ایمانوئل مکرون، خانم هیدلگو رئیس بلدیة و پارسی ها که وی را تنها رها نکنند و به کمک شان بشتابند.

وی علاوه می نماید که در این دقایق غم انگیز، افغانستان را که شما از مدت چهل سال به این طرف مدافع خستگی ناپذیر آن می باشید، و نظر به اعتمادی که من به شما دارم، به شما مراجعه می کنم، طوریکه در سابق پدرم هم به شما مراجعه نموده بود.... پدر ذریعة برنارد لیوی به شیر پنجشیر توسط فرانسوی ها معروف شد و حالا پسرش به چوچه شیر مبدل گشت.



برنارد هانری لیوی و احمد مسعود، عکس نهم اکتوبر ۲۰۲۰ در نزدیک قریه اش در جنگلک

احمد مسعود با اردوی مربوطه اش

برنارد هانری لیوی به تاریخ چهارم مارچ ۲۰۰۲ از طرف رئیس جمهور و صدراعظم وقت فرانسه، وظیفه داده شد که افغانستان برود، ماموریت وی عبارت بود جمع آوری معلومات.....

پایان